

تأثیر باد بر فرهنگ و هنر مردم سیستان

عباس دولت‌یاری^۱

چکیده

با کندوکاو در منابع فرهنگ مردم از جمله داستان‌ها، شعرها و لالایی‌ها می‌توان تأثیرات جوی، اقلیمی و آب و هوایی را در این موضوعات مشاهده کرد.

در این مقاله، به تأثیرات «باد» در هنر نگارگری، صنایع دستی، ادبیات، موسیقی و سایر حوزه‌های فرهنگ مردم پرداخته شده و این نکته مورد بررسی قرار گرفته است که چگونه انسان‌ها با توجه به منافع و مضرات باد، آن را به نفع خود مهار می‌کنند، از آن سود می‌برند یا با آن کنار می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: سیستان، بادهای سیستان، هنر در سیستان، صنایع دستی

سیستان، نمادهای صنایع دستی سیستان

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی در مؤسسه عالی گلستان، مدرس پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دره‌شهر
abbass.dolatyari@yahoo.com

مقدمه

سیستان نام سرزمینی وسیع در جنوب شرقی فلات ایران است که امروزه قسمت‌های بزرگی از آن داخل خاک افغانستان واقع شده و ولایت نیمروز خوانده می‌شود. بخش کوچک‌تر این سرزمین، همراه با بلوچستان، استان سیستان و بلوچستان ایران را تشکیل می‌دهد. با آنکه این سرزمین طی تاریخ، نقش مهمی در تکوین و گسترش تمدن و فرهنگ ایرانی داشته، آثار مادی به جا مانده از تمدن سیستان، چنان که باید و شاید شناسایی و معرفی نشده است.

در این مقاله، تأثیر باد بر فرهنگ و هنر مردم سیستان بررسی شده است. بین بادهای ایران، باد ۱۲۰ روزه سیستان ویژگی‌های منحصر به فردی دارد و نقش به‌سزایی در اقلیم منطقه، مورفولوژی دشت و زندگی اقتصادی و فرهنگ مردم ایفا می‌کند. در برخی منابع باد «لوار»^۱ را دنباله بادهای موسمی هندوستان دانسته‌اند که از طریق افغانستان و بویژه در بیابان‌های این دو کشور قدرت می‌یابد و با عبور از نواحی کم‌ارتفاع افغانستان چون دشت «نامید»^۲ وارد کشور ایران می‌شود (حسین‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۴). دوره وزش بادهای ۱۲۰ روزه را از ۱۵ خرداد تا ۱۵ مهرماه ذکر کرده‌اند (علیجانی، ۱۳۷۳: ۹۳). این باد از جهت شمال و شمال غرب به منطقه سیستان وارد می‌شود.

در برخی از منابع یاد شده، زابل را در تابستان تحت تأثیر دو باد مهم دانسته‌اند؛ باد ۱۲۰ روزه که از شمال غرب می‌وزد و باد «آلیزه» که وزش آن از شرق است (زمردیان، ۱۳۶۷: ۱۱۵). بادهای ۱۲۰ روزه سیستان از دو مشخصه سرعت و تداوم بسیار برخوردارند. این بادهای در زابل، ثابت‌ترند و جهت

۱. به باد داغ، باد لوار گفته می‌شود اما باد ۱۲۰ روزه داغ نیست.

۲. دشت نامید که «دغ نمدی» هم نامیده می‌شود بیابانی است که در امتداد مرز افغانستان و ایران قرار دارد. (پایگاه اطلاع‌رسانی ویکی‌پدیا)

تأثیر باد بر فرهنگ و هنر مردم سیستان ❖ ۱۳۱

مشخص تر و سرعت بیشتری دارند (حسین زاده، همان). بادهای زابل دو گونه شرایط اقلیمی را برای این شهر به ارمغان می آورند. در سال های پربابی، دریاچه هامون که در مسیر وزش این بادهای قرار دارد، دارای منابع آب فراوان است و تبخیر از سطح آب آن، باعث به وجود آمدن هوایی مطلوب، مطبوع و خنک می شود اما در سال های خشکسالی (برای نمونه سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱) دریاچه هامون، خشک و بستر آن منشاء ذرات معلقی می شود که بادهای ۱۲۰ روزه سیستان به شهر زابل منتقل می کنند.

باد در روی زمین عامل مهمی برای تبادل گرما، رطوبت و انتقال عناصر ذره بینی و غیرذره بینی از نقطه ای به نقطه دیگر است. این امر از لحاظ اقلیمی در فراهم آوردن آسایش انسان یا اخلال در آن، چه از لحاظ گرما و چه از لحاظ آسایش در محیط نقش مهمی دارد. توجه به جهت و سرعت باد در مناطقی که این عنصر اقلیمی نسبت به بقیه عناصر آثار مثبت و منفی عمیق تری دارد، بسیار بااهمیت است. (رازجویان، ۱۳۷۹: ۳)

هوای سیستان در تابستان گرم است و حرارت آن گاه به پنجاه درجه سانتیگراد می رسد؛ به همین دلیل، اگر بادهای ۱۲۰ روزه متوقف و یا سبک شوند، زندگی دشوار و توان فرسا می شود اما در زمستان ها به خصوص هنگام شب، هوا بسیار سرد می شود و برودت به ۱۸ یا ۱۹ درجه زیر صفر می رسد. سرزمین سیستان با وجود آنکه منطقه ای ریگزار و بادخیز است، بر بسیاری نقاط برتری دارد زیرا آنچه در ذات این سرزمین موجود است، در سایر شهرها نیست. (افشار سیستانی، ۱۳۶۳: ۸۶)

در این مقاله، ضمن بررسی عامل باد به عنوان یکی از عوامل طبیعی موجود در زندگی اجتماعی و روزمره مردم، به پیامدها و تأثیرات فرهنگی - اجتماعی آن اشاره می شود؛ در این منطقه مردمان با باد کنار آمده اند و از آن به شکل مطلوبی در زندگی و هنرهای همچون ادبیات، موسیقی و پدید آوردن

۱۳۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

شخصیت‌های خیالی و اسطوره‌ای بهره برده‌اند و این پدیده در فرهنگ عامه این سرزمین عاملی با اهمیت به شمار می‌رود.

باد و نقش سفالینه‌های شهر سوخته

شهر سوخته با قدمتی حدود ۵۰۰۰ سال و تمدنی پویا، در جوار شهر زابل واقع شده است. با نگاهی به دوره‌های فرهنگی گوناگون و نحوه زندگی مردم براساس آثار مکشوفه و موجود، می‌توان سطح فرهنگی این منطقه را مورد بررسی قرار داد.

آثار به جا مانده نشان می‌دهد که این منطقه در آغاز دوره شهرنشینی بوده است، مردمان این سرزمین به دامداری و کشاورزی مشغول بوده و با عبور از زندگی در روستا و اهلی کردن حیوانات، پا به عرصه‌های جدید فرهنگی، یعنی شهرنشینی و تولید کالاهای صنعتی گذاشته‌اند. ظهور و ساخت سفال از دستاوردهای نوین این مردمان و بزرگ‌ترین هنری بوده است که افراد، افکار و احساسات خود را که برآمده از محیط زندگی و شرایط آن بوده است، در این هنر بازتاب می‌داده‌اند.

عناصر چهارگانه خاک، باد، آب و آتش که از دیرباز مورد توجه اقوام مختلف بوده، به اشکال مختلف نمادپردازی می‌شده و نقشی اساسی در حیات ملت‌ها داشته است. زمین، منبع کشاورزی و ارتزاق، آب مایه حیات و جاودانگی، باد موجب پراکنده شدن ابرها در زمین و ریزش باران محسوب می‌شده که همیشه مورد احترام و توجه آیین‌های مختلف بوده است. بنابراین، به سبب اینکه گمان می‌رود تصویرگری در گذشته در اغلب آیین‌ها با ماوراءالطبیعه در ارتباط بوده است و «انسان شکارگر پیش از تاریخ با محدود کردن جانوران در چارچوب یک تصویر، آنها را تابع قلمرو شکار خویش می‌گردانید» (گاردنر، ۱۳۸۱: ۳۲)، این امر در نقوش سفال‌های نخودی شهر

تأثیر باد بر فرهنگ و هنر مردم سیستان ❖ ۱۳۳

سوخته و پس از آن در نقوش قالی سیستان نیز مشاهده می‌شود. سفال‌های منقوش شهر سوخته که در دوره اول تا اواخر دوره سوم از رونق و اعتبار فراوانی برخوردار بوده‌اند، ممکن است به دلیل خشکسالی و نیاز هنرمند سفالگر و نقاش به نقش‌پردازی بر روی سفال برای تسخیر نیروهای ماورایی، وزش باد، بارش باران و رونق کشاورزی پدید آمده باشند. با نگاه عمیق‌تر به این اشکال می‌توان حدس زد که باد علاوه بر استفاده آیینی در برگزاری مراسم خاص، در زندگی روزمره، منازل، کشاورزی و غیره نیز کاربرد داشته است. این نکته استدلالی محکم بر سابقه باستانی باد و شناخت آن از سوی افراد و مردمانی است که از آن در هنرهای خود به زیباترین و مفهومی‌ترین شکل استفاده می‌کردند.

با نگاهی به اشکال منقوش بر سفال‌های به دست آمده از حفاری‌های شهر سوخته می‌توان عناصر طبیعی و زیستی را که به صورت نمادین بر روی آنها نقش بسته است، مشاهده کرد. برای مثال، نقوش خط موجدار، از نقوش مشترک مورد استفاده در سفال‌های شهر سوخته و قالی سیستان هستند؛ علامت موجدار ممکن است نشانه‌ای از جریان آب یا وزش باد باشد. در سفال‌های شهر سوخته نیز عامل باد به عنوان یک عامل جوئی و محیطی بسیار زیبا و نمادین به صورت خطوط نرم زیگزاگ و خمیده، افقی، مستقیم و بلند ترسیم شده است. گاه خطوطی رسم شده‌اند که در انتهای آنها پرک‌هایی مشاهده می‌شود و گاه ترکیب نقوش گیاهی و حیوانی، امواج رود، دریا و باد را نشان می‌دهند. همچنین پرندگان دریایی و در بعضی نقوش، ترکیب باد با حالات انسانی، نشان‌دهنده این است که مردمان آن دوره نیز با این عامل در تماس و درگیر بوده‌اند.

تأثیر باد در هنرهای دستی مردم سیستان

با توجه به توضیحات یاد شده، اکنون نیز می‌توان عامل باد را در هنرهای امروزی مردمان جستجو کرد. وجود پیشینه قالبیابی در این منطقه بویژه خاص و ذهنی بودن طرح‌ها و نقش‌های قالبی‌ها، نشان‌دهنده تأثیرات محیط بر هنرمند قالبی‌باف است که با درک خود از فضا و هرمنوتیک، آن را در نقوش تحلیلی خود اجرا می‌کند. با نگاهی عمیق‌تر به قالبی‌ها و قالبچه‌های تولیدی در سیستان، مشابه طرح سفالینه‌ها را در طرح‌های قالبی نیز می‌توان مشاهده کرد. نقش‌مایه‌های اغلب قالبی‌های سیستانی، هندسی است و کمتر از نقوش جانوری و گیاهی در آنها استفاده شده است. چنان که «نقش اکثر سفال‌های نخودی شهر سوخته نیز هندسی و مرکب از خطوط مختلف و ترکیبی است که شکل‌های مختلف هندسی را می‌سازد». (سیدسجادی، ۱۳۸۶: ۱۵۰)

طرح‌های روی قالبی سیستان مانند همان خطوط سفال‌ها به صورت خطوط مستقیم و ممتد و گاه بریده‌بریده، خمیده، نرم و زیگزاگی شکل است که در ترکیب درختان و نقوش انسانی، نوعی پیوند فرهنگی را با دیرینه، سابقه طولانی و استفاده از کهن‌الگوی نقش باد در طرح‌های بافته‌شده نشان می‌دهد.

تأثیر باد در لباس و پوشش مردم سیستان

پوشش مردمان یک منطقه علاوه بر فرهنگ، آیین‌ها و نمادهای آن منطقه، رابطه‌ای مستقیم با شرایط اقلیمی دارد. نگاهی به نقاط مختلف کشور با توجه به گسترده بودن شرایط آب و هوایی و گوناگونی فرهنگی، این نکته را به خوبی نشان می‌دهد. در سیستان با توجه به آب و هوای گرم، عامل باد و پیشینه باستانی و تمدنی این مردم، می‌توان نمادها و نشان‌هایی را در پوشش افراد و لباس آنان مورد بررسی قرار داد.



لباس مردم این منطقه علاوه بر خاصیت هواگیری و جلوگیری از نفوذ خاک و بالا رفتن حرارت بدن و تعریق، از نگاه معنوی، رهایی و آزادگی این افراد را نشان می‌دهد. طراحی این لباس‌ها به گونه‌ای است که حتی در هنگام وزش شدید باد نیز اندام پوشیده می‌ماند و هیچ محدودیتی در کار و اعمال روزمره افراد به وجود نمی‌آورد.

تأثیر باد در معماری و ساخت منازل

تفکر و دانش بشری به جایی رسیده است که حتی از بدترین عوامل نیز به بهترین شکل در راه خدمت خود بهره می‌گیرد. شیوه‌های ساخت و ساز منازل و اماکن با توجه به شرایط اقلیمی هر منطقه و با نگاه ویژه به باد قابل بررسی است. با نگاهی به سابقه معماری شهر سوخته و نحوه ساخت بنا درمی‌یابیم که در آن زمان نیز ورودی‌ها و خروجی‌ها، مخالف جهت باد ساخته می‌شده و اگر هم گاهی هم‌جهت با وزش باد بوده، دیوارکی در جلوی ورودی بنا تعبیه می‌شده است. امروزه نیز اغلب بناها پشت به جهت باد، با دو دری‌ها، ورودی‌ها و خروجی‌ها ساخته می‌شوند تا ضمن عبور و مرور آسان‌تر، با این ترفند از ورود مستقیم خاک به داخل منازل جلوگیری شود.

هوای دشت سیستان بویژه نواحی غربی، به دلیل نزدیکی به کویرهای غربی و جنوبی، در تابستان خشک و گرم است. برای رهایی از این گرمای خشک و شدید، مردم سیستان در وسط بیابان و در خانه‌های کپری خود، اتاقی از چند چوب سر به هم آورده می‌سازند و روی آن را با مقدار زیادی از خارهای بیابان می‌پوشانند (این روش در بلوچستان به خصوص در ایرانشهر و سراوان نیز مرسوم است) به طوری که باد از لابه‌لای خارهای این سایبان که یک نفر مرتب بر پشت آن آب می‌پاشد، می‌گذرد و قطرات آب، سایبان را که به نام‌های «خارخانه»، «آدورخانه» یا «آدوربند» خوانده می‌شود، خنک می‌کند و نسیمی ملایم و مطبوع را به داخل کپر می‌فرستد. (افشار سیستانی، پیشین: ۸۷)

همچنین برای تهویه هوای داخل و بالا رفتن رطوبت، بادگیری به نام محلی «کولک» تعبیه می‌شود که در جهت باد قرار می‌گیرد. این بادگیر، دهانه‌ای به نسبت بزرگ دارد که بدون روزنه‌ای در پشت، جریان هوا را مستقیم به داخل هدایت می‌کند. به طور معمول، با گذاشتن خار و خاشاک مرطوب علاوه بر ایجاد فضای بسیار خنک و مطبوع در داخل، جریان هوا به بیرون هدایت می‌شود و مانع از ورود خاک به داخل می‌گردد. این خصیصه در ساختمان‌های دو طبقه نیز رعایت می‌شود بدین ترتیب که از طریق کانال‌های متعدد، از یک یا چند هواگیر مرکزی بر روی بام، هوا به نقاط مختلف ساختمان هدایت می‌شود.

ضخامت دیوارها در ضلع‌هایی از بنا که در مقابل باد قرار دارند، بیشتر است و وجود سقف قوس‌دار و گنبدی شکل، به همراه استفاده از خم‌های نرم در شکست‌های بنا، حالت آیرودینامیکی خاصی ایجاد کرده است که فشار حاصل از باد را بر ساختمان کاهش می‌دهد. پنجره‌ها اغلب در پشت بنا، مخالف باد ساخته می‌شوند و اغلب پنجره‌ها و نورگیرها کوچک هستند.

تأثیر باد بر فرهنگ و هنر مردم سیستان ❖ ۱۳۷

استفاده از کاهگل در مصالح ساختمان و پوشش‌ها علاوه بر عایق کردن دما و بازتابش گرمای حاصل از نور، به نگهداری خنکای داخل نیز کمک می‌کند.

تأثیر باد در ادبیات شفاهی مردم سیستان

شعر عامیانه، شاخه‌ای از ادبیات شفاهی است که به صورت‌های گوناگون و با مضامین متفاوت سروده می‌شود. در نواحی مختلف روستایی ایران، با توجه به موقعیت جغرافیایی و اجتماعی هر منطقه، اشعاری رواج دارد که موضوعات آنها با همه سادگی، آغشته به دردی است که در ترکیب واژگان و حتی موسیقی کلامی این اشعار نمایان است. این اشعار همچنان که از صمیم دل سروده شده‌اند، از اعماق درون و با اعتقادی تمام به حقیقت آن خواننده می‌شوند زیرا همانند زندگی، یا حتی خود زندگی این مردم‌اند. قالب رایج شعری نیز اغلب دوبیتی است.

در مناطق شرقی، به خصوص شرق سیستان، باد علاوه بر یک عامل طبیعی قوی، به عنوان یک عنصر پیغام‌دهنده، بشارت‌دهنده و گاه پیغام‌بر نیز شناخته می‌شود. باد در بعضی اشعار مخاطب افرادی قرار می‌گیرد که از او گله و شکایت دارند و آن را عامل دوری از افراد محبوب خود می‌دانند. این احساسات عمیق در قالب اشعار لالایی، اشعار عاشقانه، اشعار کار یا عروسی و نیز اشعار غمگین و حزین نمود پیدا می‌کند:

لالایی که در سیستان «آییکه» (âyika) نامیده می‌شود، شامل مضامین ملی، مذهبی، جنگ و حماسه، رنج‌ها و دردها، عشق، عرفان و مشکلات رایج اجتماعی و زندگی است. لالایی‌ها در سیستان با موسیقی همراه نیستند. برخلاف تصور عامه که لالایی کاربرد خاصی برای کودکان دارد، خواب کودک بهانه‌ای است که مادر آرام آرام از این پل بگذرد و آرمان‌هایش را در آینه

۱۳۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

آوازه‌های ناب ببیند و بازگو کند. کودک نیز در این میان فقط نقش یک مخاطب مجازی را ایفا می‌کند.

نمونه‌هایی از این نوع اشعار محلی در زیر آمده است:

ke bâdâ mirava čon mediya kem که بادا می‌روه چون می‌دی‌یه کم
که باد می‌وزد، چگونه فرود می‌ریزد
ke âbâ mirava čon mediya nem که آبا می‌روه چون می‌دی‌یه نم
که آب‌ها می‌رود، چگونه نم می‌دهد

به قربانت شوم ای جان خاله که دل از گرسنگی آمد به ناله
هوا گرم است خدایا سرد گردد عرق از پشت ابرو ژاله، ژاله

یعنی رنج کار و گرمای طاقت‌فرسا و درد و گرسنگی در هم آمیخته است.
(همان: ۱۲۰)

نام روستاها و شهرها نیز در ترانه‌ها دیده می‌شود که ارتباط مردم سیستان را آشکار می‌کند.

دم نیمروز (وزش) باد را بگیرم زن خوب را از زورآباد^۱ بگیرم
زن خوب را از زورآباد گلخان زن بد از جلال‌آباد بگیرم

(همان)

تأثیر باد در موسیقی سیستان

همان‌طور که در بخش‌های قبل اشاره شد، هنر ارتباط مستقیمی با انسان‌ها دارد و محیط نیز با تأثیر بر افراد، باعث ظهور ابداعات، ابتکارها و هنرهای یک

۱. از بخش میانگویی شهرستان زابل

تأثیر باد بر فرهنگ و هنر مردم سیستان ❖ ۱۳۹

منطقه می‌شود. در سیستان، موسیقی و رقص‌های محلی غنی که ریشه در اعصار گذشته و راز و رمز کهن‌الگوهای اسطوره‌ای و نمادین خود دارد، تأثیرات اقلیمی را در خود گنجانده است. نوع آلات موسیقی را به گونه‌ای انتخاب می‌کنند که در شکل ظاهری آنها از الگوهای نمادین و رازگونه برای تزئین و زیباسازی استفاده می‌شود. همچنین طنین سازها به نحوی است که در باد نیز از قدرت آن کاسته نمی‌شود و نفوذ صدای خود را حفظ می‌کند. سبک اجرایی موسیقی، ضرباهنگی حماسی، محکم، استوار، مقتدر، کوبنده و در عین حال، ظریف، لطیف و آمیخته با احساسات عمیق افراد دارد. از اینرو در موسیقی محلی سیستان، علاوه بر استحکام، اقتدار، ظرافت و تجمل موسیقایی را نیز می‌توان حس کرد چنانکه گویی با تمام زوایای احساسات انسان گره خورده و آمیخته شده است. نوع حرکات و شکل اجرای موسیقی به گونه‌ای است که اجراکننده و اجراشونده، گاه در باد رها می‌شوند و گاه پر قدرت می‌ایستند، چون گردباد می‌چرخند و با رسیدن به کمال عرفان در جلسه‌ای روحانی پرواز می‌کنند.

یکنواخت نبودن باد برخلاف وجه موسیقایی دیگر عناصر طبیعی یعنی آتش، آب و خاک (از عناصر اربعه) است. باد زخمه و دمی است بر سازهای طبیعت که گاه صوت می‌کشد و گاه در برخورد با اجسام مختلف ملودی‌های متفاوتی را به گوش می‌رساند؛ این در عناصر دیگر یا بسیار کم دیده می‌شود و یا اصلاً به چشم نمی‌آید.

استفاده کاربردی از انرژی باد

اختلاف درجه حرارت و ارتفاع شرق و غرب، موجب پدید آمدن بادهای شدید و معروف سیستان می‌شود. این بادها که در اصطلاح محلی «گاوکش» خوانده می‌شوند، در زمستان سرمای شدید و خشک را به همراه دارند اما در

۱۴۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

تابستان وزش آنها مداوم و بسیار شدیدتر است. مسیر این بادهای از جانب شرق به غرب است و باد ۱۲۰ روزه سیستان خوانده می‌شود که گاهی سرعت آن به بیش از ۱۲۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد. این باد معمولاً از اواسط اردیبهشت آغاز و در اوایل شهریور ماه متوقف می‌شود. به کمک همین باد، سالیان دراز آسیاب‌های بادی سیستان می‌چرخیده‌اند. (همان: ۸۷)

وزش باد در منطقه شرق ایران به خصوص سیستان، بشر را به تفکر عمیقی وا داشت تا آن رابه منظور رفع نیاز خود مهار کند و به خدمت گیرد. طولانی بودن زمان وزش باد در سیستان و همچنین قدرت و سرعت قابل توجه آن، موجب استفاده از این عامل در زمین‌های وسیع کشاورزی و آسیاب‌های بادی شده است. این آسیاب‌ها را باید نماد خاص منطقه سیستان (مانند نماد کشور هلند) دانست. اهمیت موضوع از چشم مؤلف کتاب «حدودالعالم» که درباره مردم سیستان نوشته شده نیز پنهان نمانده است: «و ایشان را آسیاب‌هاست بر باد ساخته». سایکس^۱ سیاح و مورخ معروف انگلیسی نیز که چند شبی را در برابر بادهای شدید سیستان و بلوچستان به روز رسانده گفته است: «در اینجا باد فراوان می‌وزد. خوب به خاطر دارم که یک شب باد شدیدی وزید و اکثر چادرها را سرنگون کرد. بعد اسدالدوله (حاکم بم و سیستان) دستور داد پای هر میخی، هر شب یک نفر مأمور کشیک بدهد. هیچ تعجیبی نکنید، زیرا در سال ۳۵۹ هجری قمری، طوفانی در این شهر حادث شد که مسجد جامع را زیر شن فرو برد.» (همان: ۸۷)

بنا بر نظر بیشتر تاریخ‌نویسان، پیدایش فناوری آسیاب‌های بادی از سیستان گزارش شده (فرشاد، ۱۳۷۶: ۹۹) و اختراع و ابداع نخستین آسیاب‌های بادی جهان، از این سرزمین به ثبت رسیده است. در هلند نیز که به کشور

1. Sykes

تأثیر باد بر فرهنگ و هنر مردم سیستان ❖ ۱۴۱

آسیاب‌های بادی معروف است، چنین گفته می‌شود که آسیاب‌های بادی از ایران به آنجا رفته است. مفتاح، سفیر ایران در هلند می‌نویسد:

«برخی دانشمندان اروپایی معتقد هستند که آسیاب‌های بادی به وسیله مجاهدین جنگ‌های قرون وسطی به اروپا رفته است و در همین زمینه در نمایشگاهی که چندین سال قبل در هلند از اشیای هلندی برپا شده بود، آسیاب‌های بادی سیستانی به جای نمونه آسیاب‌های بادی اروپایی در معرض نمایش گذارده شده بود.» (نیرنوری، ۱۳۷۹: ۱۱۳-۱۱۱)

هنگام ورود اعراب به سیستان تنها عاملی که مایه تعجب آنان شده بود، همین «طواحين الرياح» یعنی آسیاب‌های بادی بود که هم اکنون چیزی از آنها باقی نمانده است. (سیستانی، ۱۳۶۷: ۴۹)

کتاب معتبر «سهم ایران در تمدن جهان» از آسیاب‌های بادی سیستان به عنوان سهم ایران در شکل‌گیری تمدن جهان نام برده است. نویسنده، در صفحه

۱۱۳ این کتاب چنین نگاشته است:



در سیستان نوعی آسیاب بادی خاص وجود دارد که منحصر به همان محل است و در هیچ جای دیگر جهان نظیر آن را نمی‌توان یافت، دلیل اینکه در سیستان ساخت آسیاب‌های بادی رواج دارد، این است که در این منطقه باد عجیبی می‌وزد که بین اهالی به باد ۱۲۰ روزه معروف است. این باد بدون اغراق، اگر بیش از ۱۲۰ روز به طول بینجامد، کمتر از آن نخواهد بود

(نیرنوری، همان). به همین دلیل، میراث فرهنگی هر قوم و ملتی را نمی‌توان به

ساختمان‌ها، کاخ‌ها، کاروانسراها و یا مجموعه‌هایی از سفالینه، آبگینه و اشیای سنگی یا فلزی محدود و منحصر کرد بلکه تأسیساتی از این قبیل را نیز که نشان‌دهنده خلاقیت و ابتکار پیشینیان است، باید به عنوان میراث فرهنگی گذشتگان نگاه‌داری کرد.

آسیاب بادی نمونه نبوغ و استعداد نیاکان ما در زمانی است که نیروی محرکه مورد نیاز در بسیاری از جوامع بشری به نیروی دام و انسان محدود می‌شد. مردم سیستان توانستند این نیروی طبیعی را به خدمت بگیرند و از آن در راه آبادانی منطقه و رفاه عمومی بهره‌برداری کنند. شاید در اوضاع کنونی با وجود خیل عظیم اختراعات و ابداعات، آسیای بادی سیستان با ظاهری عاری از ظرافت، چندان جالب به نظر نیاید ولی اگر به یاد آوریم که پیدایش آن به ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد یعنی زمانی برمی‌گردد که امکانات محدودی در دسترس بود و علوم گوناگون هنوز مراحل نخست خود را طی می‌کردند، اهمیت فنی و ساخت آن را بهتر درک خواهیم کرد.

جمع‌بندی

آنچه در این مقاله مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت، در حقیقت تأکیدی است بر اهمیت و ضرورت شناخت ما از تأثیرات باد بر فرهنگ، اندیشه و زندگی مردم سیستان و دستیابی به ارزش‌ها و معیارهایی که در آثار آنان موجود است.

پیوستگی نقش و تأثیر باد بر فرهنگ مردم سیستان، چه در دوران پیش از تاریخ و چه در دوران تاریخی و اسلامی نشان از فرهنگ غنی و سرشار از رمز و راز مردم این سامان دارد. فرهنگی که در درازنای تاریخ پرپیچ و خم این سرزمین، اصالت خویش را حفظ کرده و روز به روز بر غنای فرهنگی آن افزوده شده است. البته ممکن است تأثیراتی از سایر مناطق و فرهنگ‌ها بر باور و اندیشه‌های فرهنگی این منطقه رخنه کرده باشد اما آن نقش نیز به درستی استحاله شده و رنگ و بوی فرهنگ سیستان را به خود گرفته است.

تأثیر باد بر فرهنگ و هنر مردم سیستان ❖ ۱۴۳

منابع

الف) کتاب

۱. افشار (سیستانی)، ایرج (۱۳۶۳) *نگاهی به سیستان و بلوچستان (سرزمین آزدگان سخت‌کوش)*، تهران: چ هما.
۲. رازجویان، محمود (۱۳۷۹) *آسایش در پناه باد*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۳. سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۸۶) *گزارش‌های شهر سوخته ۱*، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
۴. سیستانی، محمداعظم (۱۳۶۷) *سیستان بعد از اسلام*، ج ۴، افغانستان: آکادمی علوم.
۵. علیجانی، بهلول (۱۳۷۳) *آب و هوای ایران*، تهران: دانشگاه پیام نور.
۶. فرشاد، مهدی (۱۳۷۶) *تاریخ مهندسی ایران*، تهران: بلخ.
۷. گاردنر، هلن (۱۳۸۱) *هنر در گذر زمان*، ترجمه محمدتقی فرامرزی، چ ۵، تهران: انتشارات نگاه.
۸. نیرنوری، حمید (۱۳۷۹) *سهم ایران در تمدن جهان*، تهران: فردوس.

ب) مقاله

۱. حسین‌زاده، سیدرضا (۱۳۷۶) «بادهای ۱۲۰ روزه سیستان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۴۶.
۲. زمردیان، محمدجعفر (۱۳۶۷) «بحثی پیرامون ژئومورفولوژی در استان سیستان و بلوچستان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی (ویژه‌نامه خاک و آب زابل)، شماره مسلسل ۹.

ج) تارنمای مجازی

واژه «سیستان» در پایگاه اطلاع‌رسانی ویکی پدیا:

www.wikipedia.org

